

سه مکتوب میرزا فتحعلی سه مکتوب و صد خطابه میرزا آقاخان گرمانی

-۲-

پس از دقت در ماهیت سه مکتوب میرزا فتحعلی و سه مکتوب میرزا آقاخان و مقایسه تحلیلی مندرجات آنها رأی نهائی ما اینست : مقدمه و آغاز سخن دورساله مزبور با هم شباهت خیلی زیاد دارد و در معنی یکی است . این قسمت را باید از میرزا فتحعلی دانست و به بحث در عقاید وی تخصص داد . فقط برای اینکه جانب امانت و اصالت دقیقه‌ای فروگذار نشود در مورد چند لغت فرانسوی (مثل لیبرال ، پارلمان ، شیمی) که توضیحات میرزا آقاخان جامعتر و مفصلتر میباشد ، باید آنچه را میرزا فتحعلی در بیان معنی این کلمات نگاشته بحساب خود او آورد . و آنچه میرزا آقاخان گفته از آن خود او دانست . از مقدمه و شروع گفتار دو رساله که بگذریم سه مکتوب میرزا فتحعلی و میرزا آقاخان در معنی دو تألیف مستقل و متمایز هستند ، و هر کدام را باید از منابع بررسی اندیشه‌های نویسنده خود آن شمرد . البته در هر دو بعضی موضوعهای مشترک عنوان گردیده و درباره‌ای موارد فی الجمله هم سنجی فکری میان دو مؤلف وجود دارد . اما این اشتراك در بعضی مطالب و همسانی در وجه نظر را در همه نویسندگان مترقی زمان کم و بیش می بینیم و امریست کاملاً طبیعی . آنچه برای ما مهم است و باید مأخذ تشخیص افکار قرار گیرد بیان معنی و سنجش آن میباشد . از این نظر دورساله مزبور فرق کلی و فساحش دارد . در عین حال میرزا فتحعلی از موضوعهای متعددی بحث نموده که میرزا آقاخان اساساً عنوان نساخته ، و برعکس مقوله‌های گوناگونی وجود دارد که فقط در سه مکتوب میرزا آقاخان مطرح گردیده است . نکته اساسی دیگر اینکه آنچه میرزا آقاخان در اینجا آورده در دیگر آثارش نیز آمده و حتی باید گفت افکارش پخته‌تر و عمیق‌تر شده است . بعبارت دیگر مقام میرزا آقاخان در تاریخ فکر منهای سه مکتوب ، بی‌کم و کاست محفوظ میباشد .

علاوه بر آنچه گذشت دورساله مزبور از جهات صوری و معنوی دیگر نیز باهم فرق دارند . دامنه گفتار میرزا آقاخان خیلی گسترده‌تر و دانش او از تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام وسیعتر از میرزا فتحعلی است . به مباحث علمی جدید نیز بیشتر توجه دارد ولی این دلیل بر آن نمیشود که در این رشته میرزا فتحعلی اطلاعش کمتر از میرزا آقاخان بوده است . میرزا آقاخان لغتهای فرانسوی را خیلی زیاد بکار برده و آیات و احادیث فراوان آورده است . در نثر میرزا فتحعلی خطاهای املائی و انشائی کم نیست جمله بندیها گاهی کج و معوج است . کلماتی مثل «آزادیت» ، «پرپوچات» و «جفنگیات» بنظر میرسد . نثر میرزا آقاخان بسیار قوی و عباراتش منسجم است و بر لغت فارسی و عربی تسلط کامل دارد . اما هیچکدام توالی فکر ندارند و پیوسته از این شاخه به آن شاخه میپروند . و این انتقاد در واقع بر تمام نویسندگان ایرانی و ترك و عرب در قرن گذشته وارد است و همه مورخان

فکر این کشور ما این نکته جوئی را بر نویسندگان خودشان دارند . بعلاوه در انتقاد لحن سخن میرزا فتحعلی به نسبت معتدل اما قلم میرزا آقاخان تند و آتشین و تیز در وصف بس تواناست . و در يك کلمه رساله میرزا آقاخان در عالم اندیشه اثر عمیقتر است از سه مکتوب میرزا فتحعلی . این بحث و انتقاد از مقام حقیقی میرزا فتحعلی چیزی نمیکاهد . در واقع وی پیشرو اندیشه های نواست و تقریباً همه نویسندگان سیاسی و اجتماعی ایران (میرزا ملکم خان ، میرزا آقاخان ، طالب زاده ، و میرزا یوسفخان مستشارالدوله) از وی متأثر گردیده اند . در تاریخ افکار جدید پایگاهی ارجمند دارد و او را در جای خود بدرستی میشناسانیم .

آخرین نکته ای که باقی مانده اینکه چرا میرزا آقاخان رساله خود را به اسم سه مکتوب نگاشته و شروع گفتار میرزا فتحعلی را نیز محفوظ داشته است ؟ و حال آنکه به آسانی میتوانست نام مستقلی بآن نهد و برداشت سخن را به سلیقه خود تغییر دهد . تا وقتی که در این باره توضیحی از خود میرزا آقاخان نشنیده باشیم تنها پاسخ ساده معقولی که بنظر میرسد اینست : پیش از اینکه میرزا آقاخان قلم آفریننده خود را بدست گیرد نام سه مکتوب و نویسنده آن لاقول در میان اهل فکر و ترقی خواهان ایران شناخته شده بود . و آن رساله از نظر روحانیت و دستگاه حکومت کتاب «ضاله» بشمار میرفت . میرزا فتحعلی خود باین معنی آگاه بود . با وجود آنکه جانش در بلاد قفقاز در امان بود باز هم برای اینکه در نوشته خود تعدیلی کرده باشد در پایان سه مکتوب جویبی از زبان جلال الدوله به کمال الدوله نوشته که در معنی ردبهر اصل سه مکتوب می باشد . اما میرزا آقاخان آدم دیگری بود و در شرایط سخت و ناگواری سر می کرد : اولاً طبعی تند داشت ، و دشمنی او با روحانیان متعصب ناپرهیزگار و حکمرانان خودکام طرار آشتی ناپذیر بود . ثانیاً از دست پیدادگری دولت وقت از وطن خود گریخته بود و در واقع تحت تعقیب قرارداد داشت و در نا ایمنی روزگار میگذراند . در تحت چنین کیفیاتی آنچه را که نمیتوانست بشدت و تندی که دلش میخواست باسم و رسم خود بنویسد در قالب سه مکتوب معروف پروراند و اما باندازه میرزا فتحعلی هم حاضر نگردید در پایان رساله خود نامه ای در تعدیل مطالب آن بیفزاید . آراء و اندیشه های خود را راست و پوست کنده بیان داشته و رساله اش را با پیامی انقلابی تمام کرده است . به همین قیاس در مورد صدخطا به (که چنانکه خواهیم دید رساله ای غیر از سه مکتوب است) چون خواسته آزادی قلم داشته باشد گفتارش را باز بشیوه سه مکتوب آغاز نموده ، عقایدش را بی پرده شرح داده و نامی هم از خود نیاورده است .

نکته دیگر اینکه میرزا آقاخان در سه مکتوب و صد خطا به بهمان اندازه کیش بایگیری را تخطئه کرده (حتی سید علی محمد باب را دست انداخته) که تمام فرقه های مذهبی بلکه همه ادیان را . اما بالاخره خودش روزی ازلی بود و خاصه اینکه حالا سمت دامادی صبح ازل را داشت . و این عنصر انسانی را نمیتوان همیشه نادیده گرفت . این نکته نیز نگفته نماند که میرزا آقاخان خیلی پای بندامانت اخلاقی و علمی بود . در باره کتاب «هشت بهشت» که آنرا با همکاری شیخ احمد روحی نوشت و از افکار حاجی سید جواد کربلائی الهام گرفته بود ، در نامه خود به ادوارد براون (که در مقدمه آن کتاب انتشار یافته) از روی کمال فروتنی مینویسد : آن تصنیف از مقالات و کلمات حضرت سید بزرگوار حاجی سید جواد کربلائی است ... روح

مطلب از ایشان است، قوالب الفاظ شاید از ماها باشد... ولی اسم مصعب این دو کتاب را اگر بخواهید ذکر نمائید جناب حاجی سید جواد است. بلی ماها نتوانسنه ایم کما هو حقه آن معانی لطیف را که آن بزرگوار القاء و املاء فرمودند کما ینبغی و بطور مطلوب در قسالب عبارات و الفاظ بگنجانیم. که بحر قلزم اندر ظرف ناید. ۲۰

در حقیقت میرزا آقاخان سهم خود و مرحوم روحی را خیلی کمتر از آنچه بوده جلوه داده، و حال آنکه مطالب زیادی از آن کتاب تحت تأثیر مستقیم افکار جدید اروپائی نوشته شده که حاجی سید جواد ظاهراً با آنها آشنا نبوده است.

صدخطابه: اسمش اینست: «صورت يك صد خطابه است که شاهزاده آزاده کمال الدوله دهلوی که پدرش در زمان شاه تیمور از ایران بمرزوبوم هندوستان هجرت کرده بدوست محترم خود نواب جلال الدوله شاهزاده ایران نوشته است و شرح خرابی ایران را نگاشته». این رساله اساساً نیمه کاره مانده و تمام نسخه هائی که دیده شده وسط خطابهٔ چهل و دوم قطع گردیده است. (۱) آخرین عبارت آن نقل میشود: «... اعمال آدمی هم اجباری است و هم اختیاری و از این مقوله ترهات و فرمایشات بعضی دیگر طریقهٔ اعتزال را اختیار کردند و سراز بیابان هولناک لایتناهی و همی درآورده منکر اساس دین و اسلام شدند، و فرقهٔ دیگر غالی، دستهٔ آخر خارجی، گروهی دیگر رافضی». (نقل از نسخهٔ کتابخانهٔ ملی ایران).

صد خطابه رسالهٔ با مغز و عمیق و یخته است و ارزش آن در عالم اندیشه خیلی برتر از سه مکتوب است. زمانی میرزا آقاخان به نگارش آن پرداخته که از افکار جدید اروپائی بهرهٔ خوب کسب کرده بود. موضوع آن با یاد گذشتهٔ درخشان ایران و دستبرد تازیان به مدنیت آن آغاز میگردد و پس از شرح جغرافیای طبیعی و سیاسی و اقتصادی ایران داخل مبحث اصلی کتاب میشود. و همان مختصر شباهت صوری در آغاز رساله باعث گردیده که بعضی صدخطابه‌وسه مکتوب را در اصل یکی دانند و یا اینکه آنرا اشتباهاً به میرزا فتحعلی منسوب دارند. و حال آنکه اولاً مباحث اصلی صدخطابه با سه مکتوب جداست و ثانیاً سرپای آن آشکارا حکایت میکند که زادهٔ فکر و قلم میرزا آقاخان است. در این جای تردید نیست. اصطلاحات و کلمات محلی کرمانی هم بکار برده است. (۲) اما میشود تعبیر کرد که سه مکتوب و صدخطابه جلد اول و دوم يك کتاب میرزا آقاخان است. موضوعهای تازه‌ای که در صدخطابه عنوان گردیده بطور اجمال نقل می‌شود: مدنیت و توحش، فلسفهٔ اصالت طبیعی، فلسفهٔ علم بر اساس ادراکات حسی، پیدایش زمین و علم طبقات الارض، بحث تفصیلی در پیدایش اعتقاد

۱ - نسخهٔ صدخطابهٔ موجود در کتابخانهٔ ملی ایران بشمارهٔ ۲۳۰۶ و نسخهٔ کتابخانهٔ مجلس به شمارهٔ ۹۰۹۳۸ یکسان است، همچنین نسخه‌ای را که میرزا مصطفای اصفهانی ازلی برای پرفسور ادوارد بروان نوشته و در کتابخانهٔ دانشگاه کمبریج موجود است، همین صورت را دارد. (یادداشتهای آقای مجتبی مینوی). بعلاوه نسخه‌ای که در اختیار محمد خان بهادر بوده و نسخهٔ ماشین شدهٔ آنرا برای آقای مینوی ارسال داشته، و در کتابخانهٔ ایشان هست با دیگر نسخه‌ها تفاوت ندارد.

۲ - این نکته از صنعتی زادهٔ کرمانی است و اصطلاحات متعدد کرمانی را نقل کرده است. (مجلهٔ آینده، ج ۳، صفحات ۷۳۲ - ۷۳۱).

به قوه ما بعدالطبیعه ، حکمت ادیان و تطور آن در سیر تاریخ ، ملل و نحل ، مادی بودن دین زردشت ، فلسفه مزدک ، رابطه دین با اجتماع ، آغاز هیئت اجتماع آدمی و تأسیس حکومت ، قراردگزارى مدنى (عقاید روسو) ، تحول اجتماع بشرى تحت تأثیر سه قوه طبیعت و حکومت و دین و رابطه آنها بایکدیگر ، تأثیر عامل جغرافیائی در تمدن و اخلاق ملل ، تأثیر حکومت و دین در خوی ملی ، فیلسوفان و نهضت های مرقی ، آثار شیستها و سوسیالیستها و نهیلیستها ، اوضاع ایران تحت استبداد روحانی و سیاسى ، عرضی بودن خرابی ایران و امکان احیاء و ترقی ایران ، لزوم پیشرفت مادی ، اقتصاد ملی ، اشتقاق لغت ، زبان و رابطه آن با تمدن . تا بحال ارزش معنوی صد خطابه بدرستی شناخته نگردیده ، حتی پرسفور براون که آنرا مطالعه نموده به مباحث مهم آن که فهرست و اراشاره گردید ، مطلقاً توجهی نداشته است . بنظر او صد خطابه فقط در نگاهش اوضاع ایران و اخلاق ایرانیان نوشته شده ، و دیگر اینکه میرزا آقاخان تمام بدبختیهای وطنش را از آثار استیلای تازیان دانسته است . و نیز صد خطابه را تألیفی « کسالت بارویکنواخت و ملال انگیز » معرفی مینماید . (۳) ارزیابی و رأی ما بکلی فرق دارد . مسائلی که میرزا آقاخان در فلسفه اجتماع و اصول حکومت و حکمت ادیان و دانش جدید مطرح ساخته ممکن است برای ادوارد براون تازگی نمیداشته اما بهر حال اینرا باید پهای نویسنده صد خطابه گذاشت که برخی از آن اندیشه های بلند و نورا نخستین بار وی در نوشته های فارسی منعکس گردانید و به بحث آنها پرداخت . گفتارش کسالت آورم نیست بلکه جاندار و قوی و مهیج است . از افکار و عقاید وی در جای خود بتفصیل گفتگو کرده ایم . این مقاله فقط مقدمه ای بود در شناسائی دو رساله میرزا آقاخان ، و آن قسمتی است از مجموع نوشته های آن شهید آزاده بزرگوار . (پایان)

۹ - نگاه کنید به Materials for the Study of Babi Religion کمبریج ،

۱۹۱۸ ، صفحات ۲۲۴ - ۲۲۳ .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

دکتر افشار

تیر نگاه

واندر دل من فتنه و آشوب پیا کرد
برگشت و دگر نیم نگاهی بقفا کرد ...
آیا دل من بود هدف یا که خطا کرد ؟
افسوس که بگذشت و ندانست چها کرد !
کان زخم به دارو نتوانید دوا کرد .
این تیر ، من از سینه نخواهم که جدا کرد .

بگذشت نگاری و نگاهی سوی ما کرد
از پهلوی ما چون قدمی چند فرا رفت
آن تیر که از دیده رها کرد بمن خورد
آن شوخ کماندار که این تیر بمن زد
یاران مروید از پی درمان دل من ،
زان پیش کزو مرهمی آید به دل ریش